

در سریال‌ها تلویزیونی دعوت کنند، هیچ کدام حاضر به همکاری نخواهند شد.

در خصوص این که در ویژه‌نامه‌های اخیر اغلب مجری‌ها، مجری‌باز یگر بوده‌اند؛ تا جایی که یادم می‌آید اغلب این افراد خیلی هم آدم‌های عجیب‌غریبی نبودند و این تجربه برای خودشان می‌تواند جذاب باشد. ما مجری‌های بسیار توانا، با دانش، مسلط و درجه‌یکی در تلویزیون داشتیم که متأسفانه تلویزیون آن مجری‌ها را هم از دست داد... خاطر م هست یک زمانی باز یگرهای بسیار بنام و مطرح، به اعتبار بعضی از مجری‌ها حاضر می‌شدند در برنامه‌های تلویزیونی شرکت کنند. یعنی اعتبار آن مجری در زمینه اجرا و دانش و سوادش کافی بود برای این که این اتفاق بیفتد که نمونه‌اش را می‌توانیم در اخیرا به برنامه کتاب‌باز با اجرای سروش صحت اشاره کنیم که همه شاهد بودیم چه چهره‌های بسیار بزرگی فقط به دلیل این که این برنامه توسط سروش صحت اجرا می‌شد در آن حضور پیدا کنند. به اجرا، دانش و سواد او و سبک برنامه احترام می‌گذاشتند و برایشان ارزشمند بود که آن برنامه نیز با توجه به این که مخاطب بسیار زیاد و بسیار خاص خودش را داشت، متأسفانه مدیران تلویزیون مانند برنامه‌های پر مخاطب دیگر، بر نتابیدند و آن را هم تعطیل کردند.

**در کنار و ویژه‌نامه‌های نوروزی که در موردشان صحبت شد، در سال ۱۴۰۲ نیز مانند امسال برنامه‌هایی به مناسبت و ویژه‌ماه رمضان از تلویزیون پخش می‌شود که برنامه‌های بسیار کم‌جانی بودند. فکر می‌کنید دلیل بی‌رقم شدن برنامه‌ها و سریال‌های ماه رمضان در چندسال اخیر چیست؟**

برنامه‌های ویژه‌ماه رمضان فقط در سال ۱۴۰۲ برنامه‌های کم‌جانی نبودند، بلکه سال‌های سال است که کم‌جان و ضعیف شده‌اند و این ویژگی فقط به برنامه‌های ماه رمضان بر نمی‌گردد، به کلیت برنامه‌های سازمان صداوسیما بر می‌گردد. شما اگر یک نظر سنجی در مورد سریال‌های ماه رمضان دهه‌های اخیر بگذارید، فکر می‌کنم زیر ۷،۸ درصد از مردم و پاسخ‌دهنده‌ها در یک جامعه آماری، حتی نام یکی از این سریال‌ها یادشان باشد. در حالی که تا چندین سال پیش، پر مخاطب‌ترین سریال‌ها را در ماه رمضان داشتیم. خاطر م هست که آن دوران بازی کردن در سریال‌های ماه رمضان برای بازیگرها یک دستاورد بسیار بزرگ و سکوی پرتاب محسوب می‌شد، به دلیل این که همیشه شاهد استقبال بسیار زیاد مخاطبان از این سریال‌ها بودیم و بارها از زبان خود مردم حتی افرادی که جزو بیننده‌های جدی تلویزیون هم نبودند و در دیگر ایام سال برنامه‌های آن را پیگیری نمی‌کردند، می‌شنیدیم که در ماه رمضان هر شب پای تلویزیون می‌نشستند و سریال‌های این ایام را تماشا می‌کنند.

سریال‌هایی مثل «زیر زمین»، «مادرانه»، واقعا نام بردن آن‌ها کار سختی است چون تعدادشان خیلی زیاد است. تک‌تک سریال‌هایی که از شبکه‌های مختلف در این ایام پخش می‌شد، پر بیننده بود. مانند سریال‌هایی که رضا عطاران، علی‌رضا افخمی و بسیاری از کارگردان‌های دیگر می‌ساختند. ولی سال‌های سال است که دیگر اصلا چنین چیزی را نمی‌بینیم و این مسئله هم فقط به برنامه‌های ماه رمضان بر نمی‌گردد، بلکه به کلیت برنامه‌های سازمان صداوسیما بر می‌گردد که مخاطب خودش را به صورت بسیار زیاد و در حجم بسیار گسترده‌ای از دست داده است.

**در واقع پر مخاطب‌ترین‌های رسانه ملی، نوستالژی‌ها هستند یا بهتر است بگویم پر بیننده‌ترین برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی بر می‌گردد به آرشیوهای صداوسیما.**

بله دقیقا همین‌طور است، هنوز هم آرشیو صداوسیما از تمام تولیداتش در سال‌های اخیر پر بیننده‌تر است. تقریبا نزدیک به حدود بیست سال است که کیفیت‌ها هر روز پایین‌تر می‌آید و ریزش مخاطب بیشتر می‌شود و بهترین آثار را می‌توانیم در دهه شصت تا اوایل دهه هفتاد و اندکی از اوایل دهه هشتاد، ببینیم. به نظر من دلیل ماندگاری‌شان تجربه، تفکر و اندیشه تمام هنرمندانی است که این آثار را تولید می‌کردند. همچنین صاحب‌اندیشه، تفکر، هنر، بینش و جهان‌بینی بودن مدیرانی است که بر آن‌ها مدیریت می‌کردند. طبیعتا خروجی این همکاری‌ها می‌شد سریال‌ها و برنامه‌هایی که بیننده داشتند. اما هم آن هنرمندان از تلویزیون رانده شدند و هم آن مدیران خانه‌نشین شدند... گاهی طوری می‌گویند جوان‌های مؤمن، متعهد و انقلابی که انگار کسانی که قبل‌تر کار می‌کردند یک‌سری کافر طاغوتی منحط و ملحد بودند. به هر حال به نظر م این دسته‌بندی‌ها بسیار دسته‌بندی‌های اشتباهی است و درست و منصفانه نیست.

**از نوع کلامتان هنگام صحبت در مورد این موضوع پیداست که کاملا با آن آشنا نیستید و عمیقا این مسئله را لمس کرده‌اید. پدر شما هم یکی از پیشکسوتان این عرصه است که مدت زیادی است شاهد اثر جدیدی از او نبوده‌ایم. آیا دلیل عدم حضور او هم به همین عملکر در رسانه بر می‌گردد؟**

خب بله، همان‌طور که خدمتتان عرض کردم در چندین سال یا دهه قبل، افرادی در حیطه‌های مختلف برنامه‌سازی و سریال‌سازی فعالیت داشتند که همگی سال‌های سال تجربه و تخصص داشتند. پدر من بهروز خوش‌رزم هم جزو همین افراد است، با تقریبا نزدیک به پنجاه سال سابقه تهیه‌کنندگی در تلویزیون



**همه مدیرانی که در راس صدا و سیما قرار می‌گیرند بر این نکته تاکید دارند که رسانه ملی نیاز به یک جراحی بسیار بزرگ و یک تغییر تفکر، تغییر نگرش و استمداد و کمک طلبیدن از کسانی را دارد که چه در سطح مدیریتی چه در سطح برنامه‌سازی، توانمند هستند و بهترین حالت آن، زمانی است که بتوانند افرادی را که در تمام سال‌های گذشته رنجانده‌اند، از خودشان دور و خانه‌نشین کرده‌اند، برگردانند، از آن‌ها دلجویی کنند و کمک بخواهند تا بتوانند دوباره یک رسانه ملی بویا و یک رسانه به معنای واقعی ملی را داشته باشند.**

و تولید آثار به‌نظر من فاخر و به‌یادماندنی که همین الان هم هر کدامش برای یک صداوسیما تا ابد کافی خواهد بود مثل سریال «روزی روزگاری»، «آوای فاخته»، «گرگ‌ها»، «زیر گنبد کیبود»، «ورثه آقاسی نیکبخت»، «هتل پیاده‌رو»، «آپارتمان»، «یک مشت پر عقاب» و... به‌نظر م رسانه می‌توانست نیروهای جوانش را در کنار افرادی که کننده کار هستند و دانش و تجربه‌اش را دارند، قرار دهد تا سال‌ها در کنار پیشکسوتان خود کار کنند و نوع سریال‌سازی، برنامه‌سازی، نوع نگاه به جذب مخاطب و احترام به سلیقه مخاطب را یاد بگیرند تا شاید سال‌ها بعد بتوانند امثال بهروز خوش‌رزم‌ها را در تلویزیون داشته باشند. اما یک‌بار به این آدم‌ها کار نمی‌کنند و خانه‌نشین‌شان می‌کند و کسانی وارد می‌شوند که نه سوادش را دارند، نه هنرش را و نه توانایی انجام چنین کارهایی را دارند. گویا تنها چیزی که دیگر ارزش ندارد، هنر است و این به‌نظر م بسیار دردآور است. من همیشه به پدرم می‌گویم شما تعدادی هنرمند و آرتیست بودید که دور هم کار می‌کردید و ما این روزها یک تعداد دلال و کاسبیم که داریم دور هم کار می‌کنیم. من از کودکی در این حرفه و کنار پدرم بودم و می‌دیدم که پیش تولید سریال‌ها در گذشته چه قدر متفاوت بود، چه کسانی می‌نوشتند، چه کارگردان‌هایی حضور داشتند و چه گروهی دور هم جمع می‌شد تا یک سریالی بسازند مثل «پدر سلالا»، «زیر تیغ»، «روزی روزگاری»، «پس از باران» و بسیاری از سریال‌هایی که مردم می‌نشستند و نگاه می‌کردند. یک جمله‌ای بود که همیشه در مورد زمان پخش این سریال‌ها می‌گفتند: (تهران خلوت می‌شود) و واقعا درست بود و من این را یاد می‌آید. مگر در آن دوران این همه سریال ساخته می‌شد؟ مگر این همه شبکه وجود داشت؟ سالی دو، سه تا سریال ساخته می‌شد و همان دو، سه تا سریال را یک ایران می‌نشستند و تماشا می‌کردند. با آن سریال‌ها خاطره داشتند و هنوز هم با آن‌ها خاطره دارند. در حالی که نه امکانات به اندازه امکانات الان بود که حالا امکانات و تجهیزات فیلمسازی بسیار پیشرفته شده و هزاران هزار برابر است، نه دستمزدها این‌گونه بود بلکه عشق وجود داشت، عرق وجود داشت، یک‌سری آدم هنرمند و آرتیست وجود داشتند، یک تفکر و یک مدیریت درست وجود داشت. شما به مدیریت شبکه‌ها در آن سال‌ها نگاه کنید و ببینید مدیر شبکه‌ها چه کسانی بودند، چه افرادی و با چه تفکراتی مدیر فیلم و سریال بودند و خروجی آن افراد چه بوده است. به‌جرات می‌توانم بگویم که حتی یک نفر از تهیه‌کننده‌ها، کارگردان‌ها و نویسنده‌ها در تلویزیون باقی نمانده و تلویزیون همه آن افراد را از خودش راند. فکر کرد که می‌تواند نسل عوض کند و پوست‌اندازی کند ولی چیزی که مشخص است، الان با این که با هزینه‌های بسیار بالایی سریال تولید می‌کنند، هر شبکه‌ای در طول سال چندین سریال پنجاه، شصت یا صد قسمته را هر شب در یک زمان مشخص